

خبر لج

سہ گاندی ہد

یہ قلم جناب نصی دوئم چی ایموس بروش

ساسان کلشر

از کتاب رازهای اوکولتا دراکو: یا فاطرات رام‌کننده‌ی اژدها

هنگامی که مردم با رام‌کننده‌ی اژدهایی دیدار می‌کنند، پرسش‌های بسیار آزردهنده‌ای می‌پرسند، اما آزردهنده‌ترین از میان همه این است: سواری بر پشت اژدها چگونه است... آیا همچون سوار شدن بر اسب است؟ معمولاً، پاسخ من این است که چشم می‌دوزم به پرسش‌کننده‌هایم تا آنکه، خود آنان خجلت‌زده عذرخواهی کنند. (از من به شما نصیحت: این کار را در کاخ امتحان نکنید.) اما چنانچه من احساس کنم چاره‌ای از پاسخ گفتن ندارم، چنین چیزی خواهم گفت:

«نه، سوار شدن بر اژدها هیچ شباهتی به سواری بر اسب ندارد. مگر آنکه اسب، توسنی وحشی باشد که به تندی تندباد یورتمه برود. علاوه بر آن، بدون زین، لگام و افسار بر اسب سوار شده باشید و آنجا که نشست‌اید، از کاکتوس نرم‌تر نباشد. علاوه بر آن، به همه‌گونه دلیل، باور داشته باشید که مدام در آستانه‌ی فروافتادن هستید و سقوطی که به مرگی زود هنگام و دردناک خواهد انجامید. بنابراین، پاسخ این خواهد بود که بلی، بدین ترتیب، سوار شدن بر یک اسب را می‌توان اندکی با سواری بر اژدها مشابه دانست. اما حتی در آن حالت نیز لاقیل یال اسب را دارید که بر آن چنگ زنید. اژدهایان یال نیز ندارند. درست است که برخی از آنان شاخ دارند، اما من به شما خواهم گفت اگر جرئت دارید به شاخ اژدها دست بیندازید. مقصودم این است که من خود هرگز به شاخ اژدهایی دست نیازیده‌ام. ایشان را چنین کاری خوش نمی‌آید.»

من به این‌جای سخن که می‌رسم، مکث می‌کنم و به شنوندگانم اجازه